

یک یادآور برای اسکار

□ محمدحادی کریمی

اسکار را نمی‌توان به پدیده‌ای عارضه‌ز اغراض و مطامع سیاسی و امپریالیسم خرد کرد و آن را مراسمی کاملاً بی‌دانش؛ چرا که «هنر برای هنر» تنها برای تزیین مندی جهان برای مطرح شدن تا مبدا به دام آید بیایند. اما وقتی صحبت از بخش همزمان است که در سال ۱۹۲۹ میلون بیننده در سراسر آمریکا از فیلم‌های برنده به استقبال شدیدی تماشاگران می‌شوند، پذیرش این مطلب که فرصتی چنین مفتتنم برای تبلیغ اهداف سیاسی به راحتی از کف برود - اگر مغرضانه نباشد - از روی ساده‌لوحی است. بعضی‌ها به دوره‌های قبلی که سیاسی بود و اشکار است انتقاد کرده‌اند در مقابل فیلم‌هایی به ظاهر موجدانه ظاهر غرضی از تجزیه و تحلیل باز می‌ماند. بدون توجه به این که اسکار به چند صورت است معروف به کمپانی‌های مهم است. اما در تصاحب دارند پایه گذاری و برای تبلیغ اهدافی که به نوعی در جهت صهیونیسم و سیاست‌های داخلی و خارجی کشور آمریکا و یا مطرح کردن چهره‌های صهیونیست سینما باشد برگزار می‌گردد.

وقتی که انتخاب بین فیلم اسپیلبرگ صهیونیست و آلتمن یهودی معترض آزاداندیش فرا می‌رسد، بی‌درنگ «فهرست شیندلر» برگزین می‌شود تا سرودهایی را سربرازان یهودی در جنگ جهانی می‌خوانند زبان قربانیان ساختن آشویتس دوباره اجرا شود. «پرسشهای کوتاه» آلتمن را می‌سازد و باری، بی‌هویتی و انسانیت را در یک جامعه مدرن خود که قابل تمییز به کل آمریکا است نشان می‌دهد. باید از لیست برندگان حذف شد. اسکار و صدا از بازار تبلیغاتی اسکار به کنار رفته است. صحبت «بن هور» کس دوسر «تقلب»، «سگ سیاه»، «فهرست شیندلر»، «در بارانداز» و «دانه‌های شن» که شش از رو بسته‌شان کاملاً نمایان است نمی‌کنیم؛ چرا پذیرفتن آنها به عنوان فیلم‌های کاملاً سیاسی کاری دشوار نیست. صحبت از چهره‌سازی‌هایی

اسپیلبرگ چون «جودی فاستر» که از نوجوانی تبلیغات جنجالی‌اش شروع شد، مریل استریپ، سالی فیلد، رنیرد، هاپکینز اسپیلبرگ و «جانان سالی» هم تکرار مکررات است و هم شک و شبهه‌ای در آن نیست که با نوشته‌ای بر طرف شود. نگاه به چند فیلم بی‌سالی جانان دمی چون؛ «سگ سیاه» و «فهرست شیندلر» و «a_D» که دربارهٔ اسکار است. این در دولت کلیتون ساخته شده است. می‌توانید تماشاگران جوانی که امکان برنده شدن اسکار را ندارند صحت ادعای اسکار را به تأثیر بگذارند. برای این منظور کافی است فیلم‌های دوره پیش تامل کنید. اسکار و فیلم‌های آن را به تماشا بنشینید. وقتی که انتخاب بین فیلم اسپیلبرگ و آلتمن بوده، معترض آزاداندیش فیلد، بی‌درنگ «فهرست شیندلر» برگزین می‌شود تا سرودهایی را که سربرازان یهودی در جنگ شش روزه می‌خوانند از زبان قربانیان ساختگی آشویتس دوباره اجرا شود. اما



«پرسشهای کوتاه» آئتمن که فساد، بی بند و باری، بی هویتی و مسخ انسانیت را در یک جامعه محدود خود که قابل تعمیم به کل آمریکا است نشان می دهد، باید از لیست پرنندگان حذف شده و بی سر و صدا از بازار تئاتر سی اسکار به کناری کشیده شود. در بخشان «برشهای کوتاه» هر فصل آن برده‌های از یک شاهکار ساخته شده است. صحنه بی‌اعتنایی ملایم به جسد زنی غرق شده در رودخانه در فیلم «جان» آنجلو پاپوس را به یاد آورد، در غرض دوباره مشروعیت بخشیدن به این تئاتر هیونیتم گم می شود و با حرکتی از پیش طرز نمی شود.

تا اینجا صحنه از فیلم‌هایی که آشکارا در خدمت منافع سیاسی آمریکا قرار می‌گیرند، اما گاه به فیلم‌هایی بر می‌خوریم که ظاهری انسانی دارند و یا حتی در اعتراض سیاست‌های آمریکا، ساز کوک می‌کنند. حقیقت این است که ماهیت اسکار سال به سال یا دهه

به دهه عوض نمی‌شود و در اساس و پایه آن تغییری داده نمی‌شود. تاملاتاً یک سال آزاداندیش شوند و یکسال صهیونیست، یکسال به فیلم‌های انی جایزه دهند و یکسال به فیلم‌های مغرضانه بلکه این تغییر سیاست را اعطای جوایز به‌خصوص بخش‌های سیاسی است که دولتمردان آمریکا اتخاذ می‌کنند؛ یعنی گاه باب تهدید در می‌آیند و گاه گاه فیلم مغرضانه جایزه می‌گیرد و گاه یک فیلم بی‌بند و بانه و انسانی که در هر حال نتیجه سیاست است، چیزی که به نفع سیاست‌های داخلی آمریکا باشد. مثلاً اگر «دربارانداز» را یک فیلمی سفرشی و مغرضانه می‌دانیم که مک کارتیسم بدانیم که در رابطه با اتحادیه بازرگری ساخته شده است. این فیلم «آر. میلر» و یا فیلم «مردم پیاده» (مارتین ریت) هم که جوابیه‌هایی دربارانداز بودند، برای زدودن جو نبودیم. دموکراسی در آمریکا و یا خفتان شدید و میزبانی بی‌رحمانه مک کارتیسم از اذهان شکل گرفتند

و هم زمان با تغییر در مواضع اتحادیه کارگری که فقط دو سال بعد از نمایش دربار انداز به وجود آمد، آثار معترض بر آن نیز فرصت نمود یافتند. البته منظور این نیست که آرتمیدوس مستقیماً به دستور سازمان خاصی نمایشش را نوشته یا اسامی فیلم‌هایش را سازد، بلکه معرفی این آثار سوی تصمیم‌برندگان اصلی سیاست آمریکا انجام می‌شود، یعنی اگر چه آثار معترض در دور از سفارت‌های رسمی صورت می‌گیرد اما ارائه آنها بدون جلب نظر تکمپانی‌های یونیستی ممکن نیست. یا «همه چیز در این کشور» (آلن جی پاکولا) که قبلاً با فیلم «تاریخچه تبلیغ فراوانی شده بود و «7c» (الیور استون) فشاگری‌های معروف از حزب معروف دموکرات آمریکا در پی خواه به شمار می‌روند. ضمن آنکه «تاریخچه قوی دموکراسی را در غرب نشان می‌دهند، به

که وقتی دو روزنامه نگار قادر به عزل رئیس جمهور هستند، با خواسته‌های سیاسی حزب

رقیب و تبلیغ غیرمستقیم برای آنها مربوط می‌شوند. بنی‌جهت نیست که «همه مردان رئیس جمهور» که به تصور بعضی‌ها سند ننگ رسوایی آمریکا محسوب می‌شد، از طرف خود آمریکا در جشنواره برلین که یکی از سیاست‌های این جشنواره است شرکت داده می‌شود. تبلیغ دموکراسی بوده آمریکا باشد. دادن قتل رهبر سیاهان آمریکا در گلدبرگ بعد از شورش جدید سوسیالیست در آمریکا موارد دیگری است که این نمایش باید به حساب انسان دوستی، آزادی و برابری با این حساب می‌تواند در نظر تعداد جویز است. خود را به فیلم «بن هور» رسانید، به جهت اهداف و اغراض سیاسی آمریکا چگونه مطرح گردیده است و الی

• به نقل از جمهوری اسلامی شماره ۵۷۴۰